

ادامه از صفحه اول

منطق بر انطباق

در ایـن بین می‌مانند بیمارانی که بازیگران نقش اصلی ایـن موضوع هستند ولی از اتفاق‌های پیرامون این قانون در این سال‌ها خبری ندیده‌اند. «پزشک همیشه محرم نیست»؛ این یک جمله کلیدی در بسیاری از مباحث اخیر بوده است. طبق استفتانات متعددی هم که در این سال‌ها اخذ شده، به این نتیجه می‌رسیم که معاینه، درمان و ارائه سایر خدمات بهداشتی به بیماران باید از سوی فرد همگن (همان هم‌جنس) صورت گیرد مگر اینکه اضطراب محرز باشد و فرد همگن در دسترس نباشد یا پزشک حاضر از نمونه همگن حاذق‌تر باشد؛ یعنی در حالت ایده‌آل، برای اینکه قانون انطباق دقیقاً منطق بر خودش باشد، باید در شرایط اورژانس در همه مراکز ارائه‌دهنده خدمت هم درمانگر مرد و هم درمانگر زن در دسترس باشد. همچنین در مواقع غیروارژانس نیز که اولویت با درمانگر همگن است، هیچ درمانگری از نظر حاذق بودن بر دیگری ارجح نباشد. برای اینکه مطمئن شویم آیا اساساً قانون انطباق یک بحران واقعی است یا همان مصارفی را که در بند قبل آمد دارد، با درمانگران این حوزه در طول مسیرشان به سمت محیط کار همسفر شویم. ترکیب جنسیتی دانشجویان پزشکی در این سال‌ها ظرفیتی را برای جامعه درمانی ایجاد کرده که تعداد برابر یا حداقل نسبتی معقول از درمانگران زن و مرد را در مراکز درمانی کشور داشته باشیم. در مقطع کنکور، چراج قانون ۴۰-۴۰ در این سال‌ها مدام روشن و خاموش شده؛ قانونی که می‌گوید از دانشجویان پزشکی حتماً ۴۰ درصد باید دختر و ۴۰ درصد باید پسر باشند. ۲۰ درصد بقیه هم هرچه کرم سواد داوطلبان باشد، از دل این قانون به میانگینی از ترکیب جنسیتی دانشجویان پزشکی در این سال‌ها می‌رسیم؛ ۴۰ تا ۴۷ درصد پسر و ۵۳ تا ۶۰ درصد دختر. در مقطع تخصص شرایط کمی پیچیده‌تر است. به‌جز قطعی‌ت در جنسیتی بودن بعضی رشته‌ها مثل زنان و زایمان و حکم عرف در گزینش بعضی رشته‌های دیگر مثل ارتوپدی یا اورولوژی، در رشته‌های بی‌طرف عملاً در این سال‌ها قانونی برای رعایت نسبت جنسیتی وجود نداشته است. اما با توجه به اینکه ورودی‌های رشته‌های تخصصی پتمثل همان ترکیب جنسیتی دوران دانشگاه را دارند، به نظر می‌رسد از دل گزینش دانشگاه‌ها چالشی قانون انطباق را تهدید نمی‌کند. علاوه بر این، باید به این موضوع هم اشاره کرد که در این سال‌ها گاهی دانشگاه‌های علوم پزشکی با پایش منطقه تحت مدیریت خود، در پذیرش دانشجوی تخصص نسبت جنسیتی را رعایت کرده و جلوه‌ای از آینده‌نگری را خصوصاً در پذیرش سهمیه‌های مناطق محروم به نمایش گذاشته‌اند. ترکیب جنسیتی گروه دانشجویان پزشکی را که وارد دانشگاه کرده و بعد متخصص کریم، حالا وارد بازار کار کنیم. تقریباً همه این‌فارع‌التحصیل‌ها حداقل تا چند سال، بنده مطلق دولت و وزارت هستند؛ یعنی هر کجا دولت بگوید مجبورند بروند، با چاشنی اولویت‌بندی و امتیاز که لطف حضورش را نه سیر دیده‌ایم و نه عمیق چشیده‌ایم. از دل قوانینی که به دلیل کمبود پزشک حتی به متخصصان باردار و فرزنددار هم رحم نمی‌کند، بعید است ترکیب جنسیتی پزشکان گسیل‌شده به‌ه مناطق مختلف چندان دستخوش تغییر شود؛ مگر اینکه دانه‌درشت‌ها و رانت‌خوارها که از هر بُعد مسافت و گذر زمانی معاف هستند، احیاناً به شکل اختصاصی دخترزا یا پسرزا باشند (از نظر علمی بعید به نظر می‌رسد) که در این صورت در خوش‌خوشان دانشگاه و تحصیل، بخشی از ترکیب جنسیتی هستند ولی در زمان طرح و کار، نیمکت‌نشین همکاران حاضر در ترکیب اصلی می‌شوند. پس توزیع نیروی متخصص هم شاید چالش قانون انطباق نباشد. انتخاب پزشک حق مسلم بیماران است. از وزای هر نگاه روشنفکرانه یا هر رویکرد متحررانه، یک بیمار آقا یا خانم حق دارد بر پایه عقایدش پزشک خود را انتخاب کند. در کنار این حق مسلم، یک حرف دومی هم وجود دارد و آن اینکه در محل زندگی و بیماران باید پزشک همگن در دسترس باشد تا بیمار مجبور نباشد برای یافتن یک پزشک هم‌جنس، کیلومترها از خانه‌اش دور شود یا دل آن بیمارستان طرف قراردادش بکند. اما طبق آنچه گفتیم، بخشی از خطراتی که بر این حق دوم مرتب است، ریشه در اقتضات اجتماعی رشته پزشکی دارد و بخش دیگرش جزئی از مشکل کلی نظام سلامت کشور ماست؛ ازجمله کمبود نیرو و حمایت‌نکردن مناسب از نیروهای درمانی متخصص. اما سؤال اینجاست که پس از گذشت ۲۳ سال از تصویب این قانون و بروز مشکلات عدیده در حوزه درمان در سال‌های اخیر، آیا هنوز این قانون، «دوفوریت» سال ۷۷ خود را نگه داشته است؟ در دل مسائل مهم‌تر این روزهای حوزه درمان، نکند ایـن قانون در راستای همان مصارف حواس‌پرت‌کردن یا زورآزمایی سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

مهرشاد ایمانی: «در اواخر دولت آقای خاتمی، هم دولت

و هم جامعه دچار سرخوردگی و بی‌انگیزگی شده بودند. باید تحولی رخ می‌داد تا این شرایط ادامه پیدا نکند. اگر بخواهم ریشه‌یابی کنم، به تکیه‌گاه اصلی دوم خرداد یعنی نخبگان اشاره می‌کنم. تکیه‌گاه اصلی دولت آقای خاتمی مردم و نخبگان بودند. مردم در دو نوبت ۲۰ و ۲۲ میلیون رای به آقای خاتمی دادند. نخبگان هم اعم از دانشگاهیان و فرهنگیان و اهل اندیشه بودند. هرچه دولت اصلاحات جلوتر رفت، ارتباطش با نخبگان دچار مشکل و شکاف بیشتری شد. ماجرای کوی دانشگاه را در نظر بگیرید که به‌نوعی مقدمه‌ای شد برای جدایی صوف نخبگان از دولت اصلاحات. پس از آن فاجعه قتل‌های زنجیره‌ای به میان آمد که باز هم در این فاصله‌افتادن مؤثر بود. بعد هم دانشگاه دچار عدم تحرک شد و فعالیت‌های دانشجویی رو به افول رفت.

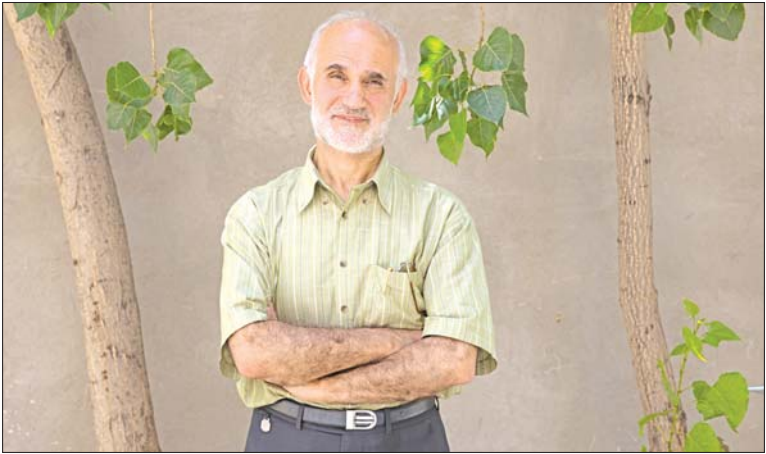
در سال ۸۲ تسنجن‌هایی در خوابگاه‌های دانشجویی و دانشگاه‌ها داشتیم که بازتابی بود از ادامه فشار سیاسی-امنیتی به جنبش دانشجویی و گسترش شکاف‌های ایجادشده در جریان حمله به کوی دانشگاه در سال ۷۸. شکست لویاح دولوی آقای خاتمی برای افزایش اختیارات ریاست‌جمهوری و اصلاح قانون انتخابات باعث سرخوردگی بیشتر این افشار شد. شیوه برگزاری انتخابات مجلس هفتم نیز ضربه آخر را به حیثیت آقای خاتمی و دولت ایشان زد و فضای اجتماعی و عمومی را هم با سرخوردگی‌هایی همراه کرد. همچنین باید نقش سایر عوامل از صداوسیما تا روزنامه کیهان و برخی مطبوعات همسو با آنها را نیز در نظر گرفت. من هم زمانی که کاندیداتوری را در سال ۸۳ پذیرفم به این مسئله اشراف کافی داشتم.

متن بالا روایت مصطفی معین است از شرایط اصلاح‌طلبان و آغاز دورشدن چپه اصلاحات از بدنه اجتماعی خود که در کتاب اخیرش با نام «روایت ۸۴؛ بانگ بی‌ژواک اصلاح‌طلبی» آمده است. پرداختن به بخش‌هایی از ایـن کتاب و البته نظرات مصطفی معین از انتخابات سال ۸۴ به این سواز آن جهت حائز اهمیت است که او را می‌توان یکی از پیشگامان مسئله بازگشت به جامعه در نظر گرفت؛ همان ایده‌ای که این روزها کمابیش بخشی از جریان اصلاحات به ضرورت آن دست یافته‌اند. اکنون که دوگانه حضور در قدرت سیاسی و بازگشت به جامعه بیش از هر زمانی در جریان اصلاحات داغ است، خواندن روایت معین از آنچه به تدریج باعث ایجاد شکاف میان اصلاح‌طلب و مردم شد، خالی است لطف نیست. او در سال ۹۳ نیز در گفت‌وویی با روزنامه «شرق» و در شرایطی که اصلاح‌طلبان مسحور و مدهوش پیروزی‌شان با نامزدی نیابتی بودند و تصور می‌کردند تا ابد قرعه قدرت سیاسی به نامشان زده شده است، گفت: «نباید از یاد ببریم که هدف اصلی، خود مردم هستند و سیاست وسیله خدمت به مردم به‌شمار می‌رود، درحالی‌که متأسفانه در برخی موارد در هر دو جناح- سیاست، هدف شده و مردم وسیله… اگر کوتاه‌مدت را در نظر بگیریم، به علت فقدان امکانات و رسانه‌های موفق نبوده‌ایم. ولی ارتباط تنگاتگی که موردنظر شما با جامعه بوده است، نداشته‌ایم. مخاطب آن در مرحله فعلی، نخبگان بوده‌اند. البته این هم مهم است که نگاه نخبگان به جامعه تغییر کند. گزارش وضعیت اجتماعی ایران که سال‌های ۸۰ تا ۸۸ را پوشش می‌دهد، می‌تواند یک کمک بسیار جدی به دولت در زمینه تهیه برنامه‌ها و سیاست‌های کلان ملی باشد. نه اینکه مثل دولت قبلی، صلواتی، تعدادی مصوبه از سر بگذرانم. اگر ما

سیاست

چرا اصلاحات جامعه محور تنها راه نجات است؟

بازگشت به معین



یک جامعه توسعه‌یافته بودیم، همه جناح‌های سیاسی باید خود را مدافع منافع دانشگاه می‌دانستند و در مسائل دانشگاه دخالت نمی‌کردند و دانشگاه را ابزار اهداف سیاسی قرار نمی‌دادند.»

هر چه پیش آمدیم این سخنان رنگ‌وبوی واقعی‌تری به خود گرفت و در پی ناکارآمدی دولت حسن روحانی و فراموشی تمام شعارها، خاصه در حوزه توسعه سیاسی، آزادی بیان و رفع حصر، مخاطبان اصلاحات امید خود را از اصلاح امور به دست اصلاح‌طلبان از دست دادند. عملکرد فراکسیون امید در مجلس دهم که با رای بالای مردم تمام لیست تهران رای آورده بود نیز مزید بر علت شد تا مردم تصور کنند رای‌شان تأثیر ویژه‌ای در بهبود شرایط نداشته است. خروج آمریکا از برجام و بی‌عملی دولت روحانی، همه و همه زمینه افزایش فاصله میان سرمایه اجتماعی اصلاحات با اصلاح‌طلبان را فراهم کرد تا جایی که از دی‌ماه سال ۹۶ تاکنون اصلاح‌طلبان در کنار اصولگرایان مورد انتقادهای شدید عموم مردم قرار دارند. دو بزنگاه انتخابات مجلس یازدهم در سال ۹۸ و ریاست‌جمهوری سیزدهم در سال ۱۴۰۰ به نوعی آب پاکی را روی دست اصلاح‌طلبان ریخت که با حرف و شعار و طرح موضوعات ذهنی قادر به جلب رای مردم نخواهید بود و دیگر حتی اصرارهای خاتمی نیز مؤثر نمی‌افتد و اگر به گفته معین حوادث رخ‌داده در دو دولت خاتمی باعث شد در اواخر دولت دوم جایگاه او و اصلاح‌طلبان قدری مخدوش شده باشد، حالا می‌توان گفت مواضع اصلاح‌طلبان در هشت سال دولت روحانی ضربه‌ای کاری‌تر از گذشته به حیثت اصلاحات و البته خاتمی وارد کرد. در چنین شرایطی در پاسخ به اینکه چه باید کرد؟ دوگانه‌ای کاملاً محسوس شکل گرفته است. برخی باور دارند مشکل بی‌اعتنایی قدرت رسمی به اصلاح‌طلبان است و می‌گویند اصلاح‌طلبان باید به قدرت نزدیک شوند تا بتوانند از موانع موجود عبور کنند. مشخصاً سخن آنها این است که باید با نزدیکی به قدرت از میزان رصلاحیت‌ها کاست. آنها می‌گویند اگر اصلاحات در قدرت حضور نداشته باشد، عملاً به تشکیلاتی غیرمؤثر تبدیل می‌شود که برای همیشه از صحنه تصمیم‌سازی کنار می‌رود؛ بنابراین راه ماندگاری اصلاحات حضور مستمر در قدرت سیاسی است و در این مسیر تحت هر شرایطی ولو اکتفا شورای نگهبان تمام نامزدهای اصلاح‌طلب را کنار بگذارد، نباید از انتخابات کناره گرفت؛ زیرا انتخابات تنها مسیر بی‌هزینه ورود به قدرت است. این نگاه کاملاً در میان راست‌گرایان اصلاح‌طلب مشهود است.

مخالفان این طیف باور دارند اصلاحات قدرت خود را از جامعه گرفته است و اگر جامعه پشت اصلاحات

مفهوم‌سازی و اقتضانات زمانه خود غافل ماندند».

نگاه حجاریان هم همین‌گونه است؛ او که پیش‌تر هم انتخابات را تنها هدف اصلاحات نمی‌دانست و می‌گفت اصلاح‌طلبان باید به‌صورت مشروط وارد انتخابات شوند و اگر نامزدهای دلخواهشان رصلاحیت شدند، عطای انتخابات را به لقایش ببخشند، علت افول اصلاحات در میان مردم را این‌گونه می‌داند: «عده‌ای رفتند داخل کادر دولت. چند بار گفتم عده‌ای باید از دولت بیرون باشند. دوم خرداد جنبش بود؛ جنبش متولی می‌خواست که متولی نداشت. از این گذشته، پیکیری ها کم بود. یک عده هم شاید قاطی ما بودند که دنبال مال و منال و پست و مقام و صندلی بودند. من یک بار گفتم هرکس دنبال صندلی نژد من نمد، یک صندلی خردجار دارم که به او بدهم! همه باید جلو می‌آمدند اما نیامدند. خلاصه نشد».

در این شرایط اصلاح‌طلبان با جامعه‌ای خسته و نابراین در مقطع کنونی باید سیاست را کنار گذاشت و به جامعه بازگشت. به نظر می‌رسد این تفکر ریشه در جریان اجتماعی‌دانستن اصلاحات دارد؛ به این معنی که اصلاحات یک جریان اجتماعی تحول‌خواه متکی بر خواسته‌های مردم بود و حتی نقل واحدی از سوی تمام اصلاح‌طلبان است که هیچ اصلاح‌طلبی تصور نمی‌کرد خاتمی بتواند در سال ۷۶ پیروز انتخابات شود و همه گمان می‌کردند با حمایت از خاتمی در بهترین حالت یک شکست آبرومندانه خواهند داشت. این سخن را بهزاد نبوی دو سال پیش در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد و گفت حتی وقتی خاتمی در دانشگاه سخنان روشنفکرانه می‌زد، ما تعجب می‌کردیم که او چه می‌گوید! با استناد به این نقل واحد می‌توان گفت که مردم، خاتمی را خاتمی کردند و اگر اجماع عمومی در میان مردم وجود نداشت، اصلاحات نمی‌توانست سرپا بایستد. باورمندان به بازگشت به جامعه می‌گویند اکنون نیز باید بر همین گزاره یعنی «مردم» تکیه کرد؛ زیرا اگر قدرت اجتماعی اصلاحات بالا برود، حتی شورای نگهبان نیز دایره رصلاحیت‌ها را محدود می‌کند و هرقد مردم از اصلاحات رویگردان شوند و اصلاحات نیز مناسبات خود را با قدرت سیاسی تنظیم کند، شورای نگهبان هم با اطمینان از بی‌عملی مردم به سرنوشت اصلاح‌طلبان در انتخابات، با دستی باز صلاحیت‌ها را رد می‌کند.

تحلیل محمدرضا تاجیک هم در شرایط کنونی از دوری اصلاح‌طلبان از جامعه مهم به‌نظر می‌رسد؛ او چندی پیش در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» بیان کرد: «عقل سیاسی یعنی اینکه ما چگونه و چطور می‌توانیم سهمی از سفره سیاست داشته باشیم و جرانی که قرار بود در ریزیدنده‌های جامعه حضور فرهنگی، معرفتی و گفتمانی داشته باشد، بخشی از ساختار قدرت شد. در این شرایط جریان اصلاح‌طلبی به محاصره کسانی که قدرت سیاسی ندارند یا روزنامه «شرق» بیان کرد: «تهدید بزرگ راهی باقی نمانده جز بازگشت واقعی به بسترهایی که در میانه دهه ۷۰ باعث شد جریان اصلاحات چه در حوزه اجتماعی و چه در عرصه سیاسی نماینده بی‌رقیب جامعه ایران باشد؛ همان ایده‌ای که سال‌ها پیش و خیلی قبل‌تر از کسانی که امروز از بازگشت به جامعه سخن می‌گویند، مصطفی معین مطرح کرده بود و حالا انگار باید برای تحقق این مهم به باورهای معین بازگشت.

دچار چندپارگی هستند و افزون بر محدودیت‌های نظارتی و اختلافات درون‌جناحی، بیش از هر زمان مورد اقبال جامعه قرار ندارند و شاید برای رفع این تهدید بزرگ راهی باقی نمانده جز بازگشت واقعی به بسترهایی که در میانه دهه ۷۰ باعث شد جریان اصلاحات چه در حوزه اجتماعی و چه در عرصه سیاسی نماینده بی‌رقیب جامعه ایران باشد؛ همان ایده‌ای که سال‌ها پیش و خیلی قبل‌تر از کسانی که امروز از بازگشت به جامعه سخن می‌گویند، مصطفی معین مطرح کرده بود و حالا انگار باید برای تحقق این مهم به باورهای معین بازگشت.

من در دوران قضاوتم، در طول سال به استثنای سایر پرونده‌هایی که به آنها رسیدگی می‌کردم، ۱۰ پرونده اصلی نیز داشتم که بیشتر تمرکزم روی رسیدگی و تعیین تکلیف این پرونده‌ها بود. باید تأکید کنم بازارندگی و آثار ناشی از ایـن پرونده‌ها که منتج به نتیجه می‌شدند، شاید به اندازه چندصد پرونده بود. رئیس دستگاه قضا بر اساس این از کارکنان دادرسی ناحیه ۲ تهران و به‌طور کلی همه کارکنان بخش‌های مختلف قضائی خواست تا نقطه‌نظر پیشنهادی خود برای ساماندهی آمارگیری در فرایندها و پرونده‌های قضائی را ارائه دهند. رئیس قوه قضائیه در ادامه سخنان خود در جمع کارکنان دادرسی ناحیه ۲ تهران، کار و خدمت در دادرسا را سخت و پرمشقت دانست و بر ضرورت استحکام، اتقان و غنای اقدامات، تحقیقات و بازپرسی‌ها در مرحله دادرسی پرونده‌های کیفری در دادرساها تأکید کرد. رئیس قوه قضائیه بر اساس این مسئولان دادرساها را در فرایند دادرسی پرونده‌های کیفری، از اغماض‌های بی‌جهت یا سخت‌گیری‌های بی‌مورد برحذر داشت و این امر را برای آحاد جامعه آسیب‌زا دانست و گفت: اعمال اغماض یا سخت‌گیری بلاوجه در رسیدگی به پرونده‌ها از مصادیق ترک فعل محسوب می‌شود که نباید اجازه داد این آسیب‌گیران‌گیر مسئولان قضائی شود. حجت‌الاسلام‌المسلمین محسنی‌اژه‌ای همچنین افزود: قوه قضائیه رسیدگی به مصادیق روشن ترک فعل‌ها در دستگاه‌های مختلف را آغاز کرده و در حال رسیدگی است؛ اما در مواردی که بر اساس قانون جرم نبوده ولی موجب ضرر و زیان است، باید بررسی شود که چه آسیب‌ها و به چه میزانی از یک ترک فعل به وجود آمده است که این کار زمان‌بر است.

او ادامه داد: خود این مسئله که چه کسی تشخیص دهد چه خسارتی با س‌اچه میزان از یک ترک فعل به وجود آمده، خیلی مهم است که این کار باید کارشناس یا بازرس یا ضابط قضائی دهد و این مسئله هم نیازمند به‌فکری است تا بتوانیم مسائل را احصا و در یک سیر قانونی منطقی رسیدگی کنیم. حجت‌الاسلام‌المسلمین محسنی‌اژه‌ای همچنین با اشاره به تأکیدات خود به دستگاه‌های نظارتی مبنی بر اعمال نهایت دقت در رسیدگی به گزارش‌های واصله درباره افراد تصریح کرد: نباید به صرف وصول یک گزارش، مبادرت به درج آن در پرونده افراد کرد، بلکه در این زمینه ضروری است تحقیقات کامل و جامعی به عمل آید تا خیابی ناکرده حقی از کسی ضایع نشود.

خبر

جواب رسانه ملی به خبر حمایت ۶میلیارد تومانی از «میدون»

● **شرق:** صداوسیما به حاشیه‌های پرداخت شش میلیاردی به یک برنامه تلویزیونی واکنش نشان داد، پایگاه اطلاع‌رسانی صداوسیما در توضیحی که برای رسانه‌ها ارسال کرده، آورده است: برنامه میدون، گامی است در مسیر شناسایی و معرفی صاحبان ایده و نخبگان و کارآفرینان، از این‌رو طبیعی است که یکی از بازوهای حمایتی ایـن برنامه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی محسوب شود. چنان که بسیاری از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و نهاده‌ا نیز بنا به مأموریت و موضوع برنامه‌ها، در برنامه‌سازی، یاری‌کننده رسانه ملی هستند. بنابراین، دریافت کمک یادشده امری غیرطبیعی و بیرون از حدود فعالیت رسانه ملی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به حساب نمی‌آید. بدیهی است یکی از وظایف کلان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تقویت اشتغال و کارآفرینی است. در همین مسیر کمک وزارت کار به شبکه سه و برنامه هدف نظر در این شبکه، منطقی، قانونی و در راستای وظیفه ذاتی وزارتخانه است. مستند قانونی کمک یادشده، دقیقاً بند «ج» ماده ۲۷ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سوم مهر سال ۱۳۹۵ مثبت وزیران است. بند یادشده، تأکید می‌کند که «کلیه دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مکلفند یک درصد از اعتبارات هزینه‌ای خود به استثنای فصول (۱ و ۴ و ۶) از طی قرارداد مشخص با صداوسیما صرف تولید برنامه جهت فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی شوند. یک درصد از اعتبارات هزینه‌ای خود به استثنای فصول (۱ و ۴ و ۶) از طی قرارداد مشخص با صداوسیما صرف تولید برنامه جهت فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی می‌رود که رسانه‌ها، با اطلاعات و علم نسبت به رویداده، موضع‌گیری منفصانه و حرفه‌ای کنند و صرفاً با اتکا به شنیده‌ها یا برداشت سلیقه‌ای و شخصی، موجب اتهام و تشویش اذهان عمومی نشوند.

استاندار خراسان رضوی:

باید در مراکز تجمعی نماز جماعت پرشور برگزار کنیم

● **خبرآنلاین:** یعقوبعلی نظری، استاندار خراسان رضوی گفت: در مراکز تجاری، پاساژها و مراکز عمده تجمعی مشهد برای اقامه نماز به شکل پرشورتر همه ظرفیت‌ها را به کار بگیریم. در این راستا از ظرفیت صداوسیما و سایر رسانه‌ها برای تبلیغ این مهم بهره گرفته شود. اصل موضوع اقامه نماز برای ما بسیار مهم و حائز اهمیت است و باید برای تحقق‌بخشی کامل به اجرای این فریضه مقدس الهی، همه به آن عمل کنیم. او ادامه داد: نهادینه‌کردن اقامه نماز در همه بخش‌ها نظیر، ادارات، اصناف، کارخانجات عمده و دانشگاه‌ها یکی از اقدامات این شورااست که باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد. در مراکز تجاری، پاساژها و مراکز عمده تجمعی مشهد برای اقامه نماز به شکل پرشورتر همه ظرفیت‌ها را به کار بگیریم. در این راستا از ظرفیت صداوسیما و سایر رسانه‌ها برای تبلیغ این مهم بهره گرفته شود.

نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس:

نیروی انتظامی از ضعف قوانین در برخورد با متخلفان گله دارد

● **فارس:** علی بابایی‌کارنامی، نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: نیروی انتظامی همواره کلاه‌بندی از ضعف قوانین در برخورد با متخلفان دارد و می‌بایست طرح‌ها و دیدگاه‌های کارشناسی خود را با محوریت وزارت کشور در قالب لایحه‌ای که از سوی دولت تدوین خواهد شد به مجلس ارائه کند تا قانون‌گذار بتواند بر اساس این نظرات، قوانین تشدیدکننده جرم را تصویب و برای اجرا به دستگاه‌های مسئول ابلاغ کند. او ادامه داد: نباید از مسیر طرح در مجلس به دنبال اصلاح قوانین یا تشدید مجازات مجرمان خصوصاً زورگیران در مجلس بود. ممکن است نمایندگان طرحی را ارائه کنند که جامعیت کافی برای اثرگذاری قانون نداشته باشد. از این‌رو، می‌بایست چنین مواردی از سوی دولت در قالب لایحه به مجلس ارائه شود تا با جمع‌بندی بهتری بررسی شود. نماینده مردم ساری با اشاره به دستور رئیس قوه قضائیه برای تشدید برخورد با مجرمان و زورگیران گفت: چنین دستوری بسیار ارزشمند است و منجر به ناامن‌شدن فضای حضور افراد مستلذه‌ها در جامعه می‌شود. نیروی انتظامی به موازات اجرای این دستور باید از نظر مالی، زیرساختی، نیروی انسانی و نیز دیگر ملزومات تأمین امنیت در جامعه تقویت شود. از سوی دیگر، باید چرایی ایجاد چنین وضعیتی را بررسی و علل بروز آن را به شکل جدی ریشه‌یابی کرد.

دبیر شورای نگهبان:

وزرای آموزش و پرورش باید برای شناساندن راه امام خمینی به نسل جدید تلاش کنند

● **روابط‌عمومی شورای نگهبان، دبیر شورای نگهبان** گفت: همه ازجمله وزرای آموزش و پرورش و علوم و برای شناخت بیشتر راه و رسم امام خمینی(ره) به نسل جدید به ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان تلاش مضاعفی کنند ضمن آنکه حوزه‌های علمیه و روحانیون نیز باید حافظ آثار امام(ره) باشند. غربی‌ها و پیروان آنان در ایران زمان طغوت سال‌ها تلاش کرده بودند که دین را از عرصه اجتماعی و سیاسی حذف کنند که امام بزورگار این توطئه را برهم زد و اسلام سیاسی و مردم‌سالاری دینی را احیا کرد.